



۲۰۱۶/۱۱/۲۳



ولی احمد نوری

عساکر فانتوم «fantômes» اردوی افغانستان

نویسنده: سونیا غزال – مترجم ولی احمد نوری

شهر قندز بالاخره از طرف قوای طالبان گرفته شد

این نوشته به تاریخ ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۶ در روزنامه "لوموند" فرانسه نشر شده بود و من آنرا ترجمه کرده بودم ولی تا حال به نسبت گرفتاری های زیاد با وبسایت آریانا افغانستان آنلاین به زیور نشر آراسته نشده است. موضوع اساسی این مقاله حملات طالبان بر قندز، سقوط قندز و دوباره به دست آوردنش از طرف قوای دولت بود که اکنون بعد از سپری شدن بیشتر از یکماه کدام تازگی ندارد. ولی از یکطرف افسانه طالبان و داعش هنوز هم در اکثر ولایات کشور جریان دارد و حالات مردم و کشور ما شکنند و نا معلوم است و از جانب دیگر در بین آن موضوعات مهمی در باره اردوی افغانستان وجود دارد که دانستن آن از تعلق به زمان بی نیاز است و دانستنش حتمی، به نشر آن اقدام می نمایم.

طالبان در هفته های اخیر (۱۳ اکتوبر) چندین حملات مسلحانه و پی در پی بالای شهر قندز^(۱) مرکز ولایت قندز انجام دادند. به نظر می رسد که قوای طالبان هنوز هم دست نخورده باقی مانده اند و در برابر اردو و پولی "محسن" یک هفته قبل در آوانی که قندز شهری در شمال غرب افغانستان، از طرف طالبان مورد تاخت و تاز و حملات قرار گرفته بود، شهرش را ترک گفته به کابل پایتخت افغانستان پناه بُرد. او گفت: در اثر یک راکت فیر شده از طرف طالبان^(۲) که به منزل همسایه ما اصابت کرد، تعدادی جان باختند تعدادی هم زخمی شدند که من آنها را به شفاخانه قندز رسانیدم و به خانه برگشتم. تنها توانستم لباس هایم را که با خون و خاک لکه شده بودند تبدیل کرده به سوی کابل حرکت کردم.

۱- شهر قندز هزاران سال عمر دارد. قبل از آمدن اعراب و اسلام در افغانستان نام آن «کهن دژ» بوده. اعراب چون حرف (ژ)، (پ)، (چ) و (گ) را در زبان خود ندارند، (ژ) دژ را (ز) ساختند و از خیرات تان (ک) کهن را هم (ق) که با این دو تغییر نام این شهر [کهن دژ] شد. در زبان اصیل "دری" (کهن) به معنی (کهنه، قدیمی، سابقه) می باشد و (دژ) یعنی (قلعه) (کهن دژ یعنی "قلعه کهنه" - (و. ا. نوری)

۲- در این جا سؤال خلق می شود که این سلاح مدرن و راکت ها را کدام کشور ها به چه منظور به دسترس طالبان و داعش قرار می دهند و این سرمایه را کی پرداخت می کند. [و. ا. نوری]

"محسن" با درد اظهار داشت که همسرش سال قبل هنگامی که طالبان قندز را تسخیر کردند، توسط آنها کشته شده بود.



وقتی محسن چهل ساله با دیگر وطنداران قندزی اش به کابل پناه بردند، شهر سرحدی قندز با تاجکستان توسط قوای دولتی پس از ده روز جنگ و آتش باری و عالم های کشته و زخمی آزاد شده و تحت قیمومیت دولت مرکزی قرار گرفت، ولی قری و قصبات دیگری در نزدیکی شهر بغلان در چند کیلو متری آنجا که راه کابل از آنجا می گذرد، از طرف شورشیان مورد تهدید جدی قرار گرفته بود.

طالبان همچنین در این اواخر پیشرفتی به لشکرگاه مرکز ولایت هلمند کرده اند. هلمند ولایتی که زیادهترین محصولات خاشخاش که آن تریاک و مواد مخدر تولید می شود و مهم ترین مدرک مخرج و مصارف شورشیان را تهیه می کند. اگر قوای دولتی توانسته است در این اواخر شورشیان را مجبور به عقب نشینی کند، آنها هم قوت خود را با داخل شدن در شهر های ستراتیژیک افغانستان نشان دادند.

در دهلیز های وزارت داخله افغانستان بعضی از مأمورین آن با حفظ هویت شان ادعا میکنند که طالبان در جاهایی که حمله می کنند از قبل با مأمورین و مؤظفین دولتی در آنجا ها تماس گرفته و باهم جور می آیند و سپس وقتی بدانجا حمله می کنند همه دروازه ها را به روی خود باز می یابند، زیرا مؤظفین و محافظان فرار کرده می باشند. زیادهترین تحلیلگران سیاسی بر فرار جمعی مأمورین و مؤظفین که عهده دار امنیت اند، انگشت می گذارند.

در یک راپور رسمی اردوی اضلاع متحده که در ختم سال ۲۰۱۵م انتشار یافته است، می نویسند که در این سال ۱۷۰۰۰۰ (یکصد و هفتاد هزار) عسکر افغان از اردو فرار کرده اند و وزارت دفاع به نسبت کمبود درخواست شمولیت در خدمت اردو به مشکلات دچار اند که این خود یک سقوط تعداد عساکر را در اردو نشان می دهد.

موضوع جنجال برانگیز دیگر:

تعداد عساکر اردوی افغانستان به صورت دقیق معلوم نیست!! مطابق اسناد رسمی وزارت دفاع افغانستان تعداد اردوی این کشور سه صد هزار نفر است که معاش و ماکولات آنها از کمک های کشور های مدد رسان غربی اجراء میگردد. به قرار تحقیق، معلومات و هشدار "جان سوبکو" (John Sopco) جنرال مفتش امریکایی برای اعمار مجدد افغانستان از عساکر فانتوم (fantômes) یا اشباح گپ میزند چرا اشباح؟؟ به خاطری که معاشات، ماکولات و دیگر پرداخت های معمول آنها اجراء می شود ولی خود شام وجود ندارد!!! و از قول یک صاحب منصب افغان می گوید: این همه مبالغ در جیب صاحب منصب های فاسد و رشوه خوار می ریزد.



امر پولیس ولایت هلمند که بخشی از آن ولایت به دست شورشیان افتاده است، می گوید: از بیست و شش هزار عسکر که از طرف وزارت دفاع به صورت رسمی فرستاده شده، صرف سیزده هزار آن یعنی تنها ۵۰ فیصد آن موجود است و باقی ۵۰ فیصد آن مفقود الاثر بوده و صرف روی کاغذ پاره ها وجود دارند و بس. ای است عساکر فانتوم یا اثباح که خود شان وجود ندارند ولی تمام مصارف (معاشات، ماکولات و غیره) آنها که با پول های کمکی دول غربی تمویل می شود از طرف صاحب منصبان شان اخذ میگردد.

"کریم پاکزاد" محقق در مؤسسه بین المللی تحقیق و ستراتیژی می گوید:

امریکایی ها ممکن به تشکیل یک اردوی افغانی توفیق یافته باشند ولی برای ساختمان یک اداره مؤثر، با کفایت و صادق مؤفق نبوده اند.

اردوی افغانستان یک اردوی ملی نیست:

زیرا جامعه مختلف النوع قومی و زبانی در آن منعکس میگردد. یعنی یک جمعیت نژاد های مختلف است که زد و خورد ها و اختلافات بزرگ را هم با خود همراه داشته است.

در زمره دلایل بی علاقهگی بسیج شدن برای خدمت عسکری یکی هم معاش بخور و نمیر ماهوار ۲۰۰ و ۳۰۰ دالر است که در کابل برای سک زندگی ساده و معمولی هم کافی نیست و این جوانان را جوانان از داخل شدن به خدمت عسکری می هراسند خاصاً که میدانند در صورت زخمی شدن و یا کشته شدن خانواده و اطفال شان بی سرپرست و بی کمک و معاونت می مانند.

پایان